

از دفتر خبرگزاری دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران

جمعه، شانزدهم آذرماه ۱۳۷۵

گزارش ویژه

### آیین بزرگداشت شهیدان دانشگاه

در برخورد هنگامی با چهلوسومین سالگرد یورش نیروهای سرکوبگر کودتاچیان دژخو به دانشگاه تهران و به خاک و خون غلتیدن مصطفی بزرگنیا، مهدی شریعت‌رضوی، و احمد قندچی، سه دانشجوی رزمنده، در سرسرای دانشکده‌ی فنی، آیین شکوه‌مندی بر مزار آنان در امامزاده عبدالله شهر ری برگزار گردید.

در این آیین بزرگداشت، که با قرار قبلی ولی بی‌هیچ فراخوان همگانی بر پا شد، شماری از دانشجویان آرمان‌خواه و رهبران و هموندان سازمان‌های سیاسی وابسته به اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران (جنبش برای آزادی ایران، حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم)، حزب مردم ایران، و حزب ملت ایران) و نیز جمعیت نهضت آزادی و پاره‌ای دیگر هواداران مصدق بزرگ از زن و مرد و جوان و پیر با شورمندی شرکت داشتند.

پس از خوانده شدن چند آیه از قرآن کریم، گرداننده‌ی برنامه‌ی گردهمایی از حاضران خواست به احترام دانشجویان شهید یک دقیقه سکوت و بعد فاتحه‌خوانی کنند. سپس مهندس اسماعیل حاج‌قاسم‌علی، از رهبران نیروی سوم، که در آن رویداد خونین حضور داشته و هم‌کلاس دانشجویان شهید بوده است، به سخنرانی پرداخت. این رزمنده‌ی دیرپا در سخنان شورمند و اندوهبرانگیز خود گفت: «تاریخ نمی‌تواند نام قهرمانان را فراموش کند. در آن روز خونین شانزدهم آذر یکهزاروسصدوسی‌ودو، من هم با این گلگون‌کفنان در دانشکده‌ی فنی بودم، در سال اول. هنگامی بود که حکومت کودتا تصمیم داشت صدای ملت را برای همیشه خاموش کند. روز قبل، دانشجویان میتینگی برگزار کرده بودند و، در صبح روز شانزدهم آذر، موقعی که وارد دانشگاه شدیم، دیدیم که تمام سطح دانشگاه از گماشتگان کودتاچیان مملو است؛ ولی هیچ‌گاه فکر نمی‌کردیم به روی ما اسلحه بکشند.»

مهندس اسماعیل حاج قاسم‌علی پس از بیان چگونگی آتش گشودن به سوی دانشجویان در سالن دانشکده‌ی فنی و شهید شدن این سه جوان ناکام از برگزاری آیین شب هفت آنان یاد کرد و گفت: «ما در همین مکان به همراه خانواده‌ی آن‌ها جمع شدیم و من در سخنان خود این شعر را خواندم:

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند      روبه‌صفتان زشت‌خو را نکشند

گر عاشق صادقی ز کشتن مگریز      مردار بود هر آن که او را نکشند»

در پایان سخنرانی، چرایی زندانی شدن خود را شرح داد و افزود: «از آن سال تا کنون، دانشگاه سنگری بود که هیچ‌گاه تسخیر دژخیمان نشد. بی‌شک ملت ایران تا آخرین نفر و آخرین نفس در برابر سلطه‌گران تن به تسلیم نخواهد داد.»

پس از آن، مجید نریمان از کوشندگان حزب ملت ایران، که گردانندگی برنامه را هم به عهده داشت، با بیان موردهایی از تنگناهای قراردادشده در فراراه جنبش دانشجویی گفت: «به گمان ما، به عنوان گروهی از دانشجویان، پایان دادن به این سکون و سکوت جز از طریق حرکت توأمان دانشجویان در عرصه‌ی دانشگاه و اجتماع تحقق‌پذیر نیست. امروز دانشجویان دانشگاه‌ها باید از طریق ارتباط با یکدیگر در حول محور خواست‌های صنفی، از قبیل حق تشکیل یا حضور در نهادهای خودجوش دانشجویی بدون هر گونه شرطی، امکان بیان عقاید در جوی

به‌دور از هر گونه تهدید و ارباب، درخواست بالا رفتن کیفیت آموزشی دانشگاه‌ها از طریق جذب استادان برجسته و کادرهای متخصص علمی و مدیریتی، افزایش امکان‌های رفاهی از یک سو و از سوی دیگر ارتباط داشتن با حزبها و نیروهای هوادار مردم‌سالاری، که در چند دهه‌ی گذشته پای‌بندی خود را به حاکمیت ملّی نشان داده‌اند، ادامه‌دهنده‌ی راه تمام به‌خون‌خفتگانی باشند که برای استقلال و آزادی ایران به پا خاسته‌اند؛ و این امر تحقق‌پذیر نیست، مگر با تلاشی همه‌جانبه و فراتر اندیشیدن از حصار تنگ تعصب‌های فردی و گروهی.»

این گردهمایی، که از نظم چشمگیری برخوردار بود و نوید زنده‌داشت همبستگی همگانی را می‌داد، با خواندن سرود «ای ایران» پایان گرفت و شرکت‌کنندگان در آن با دل‌هایی پر امید مزار مصطفی بزرگ‌نیا، مهدی شریعت‌رضوی، و احمد قندچی، شهیدان دانشگاه، را ترک گفتند.

به هنگام بازگشت گردآمدگان، اعلامیه‌ی «اتحاد حزبها و نیروهای ملّی ایران» و نیز اعلامیه‌ی دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران، که هر دو در گرامی‌داشت روز شانزدهم آذر، روز دانشجو، داده شده بود، در میان آنان پخش گردید.